



نقش شیوه‌های فرزند پروری در پیش بینی افکار اضطرابی و علایم وسواسی فکری و عملی نوجوانان

زینب خانجانی^{۱*}، بهمن اسماعیلی انامق^۲، مجتبی غلامزاده^۳

۱- دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز

۲،۳- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه تبریز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۲۷

چکیده

مقدمه: سبک‌های تعامل والدین با کودکان و یا نوجوانان تاثیر شگرفی بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی و بروز برخی علایم روانپزشکی دارد، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی نوجوانان براساس شیوه‌های فرزندپروری والدین است.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. برای انجام این پژوهش، ۱۸۰ نفر از دانش آموزان مذکر شهر مرند به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزند پروری والدین Baumrind، پرسشنامه افکار اضطرابی Wales و وسواس فکری عملی Maudsley استفاده شد. داده‌های تحقیق با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند.

نتایج: تجزیه تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که علایم وسواس فکری عملی و افکار اضطرابی رابطه مثبت معنی‌دار با شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه و رابطه منفی معنی‌دار با شیوه فرزند پروری مقتدرانه دارد. شیوه‌های فرزند پروری توانایی پیش‌بینی سطح علایم و وسواس فکری عملی و افکار اضطرابی نوجوانان را دارند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که شیوه‌های فرزند پروری والدین از عوامل تاثیرگذار بر سلامت نوجوانان است. والدینی با شیوه فرزندپروری مقتدرانه، دارای فرزندان با افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری عملی پایین هستند.

واژه‌های کلیدی: علایم وسواس فکری عملی، افکار اضطرابی، شیوه فرزندپروری

* (نویسنده مسئول): تلفن: ۰۹۱۴۳۰۱۶۰۱۱، پست الکترونیکی: zeynabkhanjani@yahoo.com

مقدمه

اختلال وسواسی- اجباری (Obsessive-Compulsive) اختلال روان شناختی نامتجانس است که با بازگشت تکرارهای افکار مزاحم، تصاویری که اضطراب و استرس و رفتارهای تکراری را فرا می خواند مشخص می شود. رفتارهای تکراری در اختلال وسواسی- اجباری به منظور کاهش استرس انجام می گیرد. وسواس اجباری و به همراه آن افکار اضطرابی به دلایل مختلف به وجود می آید که این دلایل می تواند شامل صدمه، آسیب، تجربه های جنسی، ساختار و روابط خانوادگی و موارد دیگر باشد (۱). تحقیقات گذشته اختلال وسواسی- اجباری را بررسی کرده اند، یافته های اپیدمیولوژی نشان می دهد که شیوع اختلال وسواسی- اجباری در طول زندگی تقریباً بین ۳/۵ تا ۱/۶ است (۲،۳). تحقیقات در طول چند دهه گذشته به صورت شگفت آور شناخت ما را از پدیده شناسی و درمان اختلال وسواسی- اجباری گسترش داده اند. امروزه بسیاری از مکانیزم ها و عامل ها در سبب شناسی اختلال وسواسی- اجباری وجود دارند که این مکانیزم ها و فاکتورها باعث دوام این اختلال در طول زندگی می شوند. برپایه ی تحقیقات زیستی که شامل مطالعات خانواده و دوقلوها است شواهد کافی بر نقش عامل های ژنتیکی در شکل گیری اختلال وسواسی- اجباری فراهم شده است (۴-۶). مطالعات همچنین نقش شماری از عوامل محیطی را در سبب شناسی اختلال وسواسی- اجباری یافته اند. مطالعه حاضر به بررسی نقش شیوه فرزند پروری والدین در افکار اضطرابی و علائم وسواسی- اجباری می پردازد. سلامت روانی کودک و نوجوان بخشی اساسی از سلامت و رفاه عمومی است. انتقال ارزش ها و فرهنگ و سلامتی کودکان از طریق تربیت صورت می گیرد. بر اساس مطالعات انجام شده سبک تربیتی والدین یک عامل مهم پیش بینی کننده در سلامت فرزندان است. برخی عوامل مربوط به والدین که بر تحول کودکان تاثیر می گذارد شامل گرمی و پذیرش و کنترل رفتاری کودکان است. سطح بالای گرمی و پذیرش از خصوصیات والدینی است که علاقه مند به کودک و مسئولیت پذیر هستند. سطح بالای کنترل رفتاری از خصوصیات والدین متوقع و دیکتاتور است (۷).

Baumrind در زمینه شیوه فرزند پروری تحقیق های گسترده ای انجام داده است و نشان داده است که شیوه فرزند پروری والدین دو بعد گرمی، کنترل دارد شیوه فرزند پروری والدین از این دو جهت با هم در تفاوت هستند. Baumrind بر اساس تحقیقاتش سه شیوه فرزند پروری مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه را تشخیص داده است که براساس ابعاد گرمی و کنترل باهم در تفاوت هستند (۸). والدین سهل گیر سطح بالای گرمی و کنترل رفتاری پایین دارند، این والدین اجازه می دهند که کودکان بر طبق میل شان و با کمترین نظم و انضباطی رفتار کنند. والدین مستبد پایین ترین گرمی و پذیرش و سطح بالای کنترل رفتاری دارند، این والدین بسیار سخت گیر و به جای قوانین به معیارهای محدود خودشان می چسبند والدین مقتدر سطح بالای گرمی و کنترل رفتاری دارند راهنمایی های منطقی کودکان و نوجوانان از ویژگی های سبک والدینی مقتدرانه است. تحقیقات اولیه در این زمینه توسط Baumrind انجام گرفته است که سایر محققان، تحقیقات در این حوزه را گسترش دادند و در تحقیقات شان به شماری از پیامدهای منفی و مثبت شیوه فرزند پروری والدین با کودکان و نوجوانان اشاره کردند (۸-۱۱). شیوه فرزند پروری مستبدانه در ارتباط با شماری از پیامدهای منفی مانند انعطاف پذیری پایین، عزت نفس پایین، کاهش شادمانی، انگیزش پیشرفت پایین، افزایش سومصرف مواد، فقدان راهبرهای مقابله ای مناسب و افزایش اضطراب است (۱۴-۱۲). در مقابل شیوه فرزند پروری سهل گیرانه در مقایسه با شیوه فرزند پروری مستبدانه عموماً به پیامدهای مثبت می انجامد به هر حال در شیوه فرزند پروری سهل گیرانه، نیز خود کنترلی پایین، مسئولیت پذیری پایین، انعطاف پذیری پایین و درجات تحصیلی پایین در کودکان و نوجوانان گزارش شده است (۱۵). از بین شیوه های فرزند پروری، شیوه فرزند پروری مقتدرانه در ارتباط با شادی، روان رنجور خوبی پایین، عزت نفس بالا، داشتن استقلال، درجات تحصیلی بالا، جرات مندی و استدلال اخلاقی بالا و برخی پیامدهای مثبت در ارتباط است. براساس نتایج تحقیقات قبلی شیوه فرزند پروری مقتدرانه به عنوان شیوه

و خواسته‌های نوجوانان نقش اساسی در حاصل شدن پیامدهای مثبت و منفی برای نوجوانان دارد، در این پژوهش به بررسی نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در بروز علایم و رفتارهای وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی در نوجوانان پرداخته شد. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی این سوال می‌پردازد که شیوه‌های فرزند پروری والدین چه تاثیری بر افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی نوجوانان دارد؟

روش بررسی

پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی- همبستگی است که بر طبق آن رابطه بین متغیرهای پژوهشی بدست می‌آید. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهر مرند در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ تشکیل می‌دهند. نمونه مورد بررسی بر اساس جدول کرجی مورگان ۲۰۰ نفر از دانش آموزان شهر مرند بودند که به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. بدین ترتیب که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی دو مدرسه از بین مدارس پیش دانشگاهی شهرستان مرند انتخاب شدند، سپس از هر مدرسه سه کلاس به شیوه تصادفی انتخاب شد. حجم نمونه اولیه بالغ بر ۲۰۰ دانش آموز بود که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، داده‌های متعلق به ۱۸۰ دانش آموز تحلیل شد. در اجرای پرسشنامه‌ها، ضمن دادن اطمینان به آزمودنی‌ها، جهت محرمانه ماندن اطلاعات پژوهشی و اعمال برخی ضروریات اخلاقی پژوهش و جلب همکاری و مشارکت آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های گردآوری داده‌ها در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت و توضیحاتی در مورد شیوه پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها داده شد. زمان اجرا هیچ محدودیتی نداشت. پرسشنامه دو بخش داشت که بخش شیوه‌های فرزند پروری بامریند پرسشنامه توسط والدین دانش آموزان و بخش مقیاس افکار اضطرابی و وسواس فکری و عملی پرسشنامه توسط خود دانش‌آموزان، تکمیل شد. با توجه به طرح پژوهشی حاضر، جهت تجزیه تحلیل داده‌ها روش آمار استنباطی مورد استفاده قرار گرفت که در آن برای پیدا کردن رابطه‌ی بین متغیرهای مورد مطالعه از روش همبستگی پیرسون، برای پیش بینی تغییرات متغیر ملاک از روش رگرسیون چندگانه همزمان

فرزند پروری ایده‌ال در رشد و تکامل کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود (۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷). تحقیقات پیشین شیوه‌های فرزندپروری والدین را به طیف گسترده‌ی پیامدها ارتباط می‌دهند. در تعداد کمی از تحقیقات به بررسی ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری با علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی پرداخته‌اند. تحقیقات اولیه‌ای که در مورد ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری والدین با علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی پرداخته‌اند بیشتر به صورت ناهم‌هنگ است، گرچه شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد والدینی که دارای خصوصیتی مانند داشتن حمایت بیش از حد، توقعات زیاد، باریک بینی و حساسیت زیاد هستند، دارای فرزندانی هستند که سطح بالای علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی دارند (۱۸، ۱۹). Ehiobuche به این نتیجه رسید که والدین افراد دارای وسواسی- اجباری در مقایسه با والدین گروه نرمال، فقدان عواطف و گرمی و کنترل رفتاری زیادی نسبت به نوجوانان داشتند (۲۰). Alonso و همکاران گرمی و عطفوت پایین را در والدین افراد مبتلا وسواسی اجباری گزارش کردند (۲۱). نتایج مطالعه Gandomani و همکاران نشان داد که میزان افسردگی و اضطراب پایین در ارتباط با داشتن والدین مقتدر است (۲۲). Golfazani و همکاران در مطالعه‌ای یافتند که مادران کودکان عادی در مقایسه با والدین کودکان دارای افسردگی، اضطراب، وسواس- اجباری شیوه فرزند پروری والدین مقتدرانه داشتند (۲۳). Kenni و همکاران در باره ساختار خانواده بر کنش روانی دانشجویان به این نتیجه رسیدند که حمایت‌های عاطفی والدین تاثیر بسزایی در سلامت روانی دانشجویان دارد (۲۴). موضوع تحقیق حاضر ارتباط شیوه‌های فرزند پروری والدین با افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری- عملی در کودکان است، تحقیق حاضر از تحقیقات تکمیلی در ادامه تحقیقات مقطع کودکی است. به لحاظ اینکه علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی همراه آن در افراد، تاثیر مهمی بر رضایت از زندگی و سازگاری‌های فردی با محیط زندگی دارد و از بعد دیگر با توجه به اینکه نوع شیوه‌های فرزندپروری والدین و شیوه‌های تربیتی و پاسخ‌دهی به تقاضاها

استفاده شد.

پرسشنامه های شیوه های فرزندپروری: پرسشنامه ی شیوه های فرزندپروری در سال ۱۹۷۲ توسط Baumrind طراحی شد شامل ۳۰ عبارت است که ۱۰ عبارت آن به شیوه مستبدانه و ۱۰ عبارت دیگر به شیوه مقتدرانه و ۱۰ عبارت دیگر به شیوه سهل گیرانه مربوط می شود. با جمع نمرات عبارات مربوط به هر شیوه یک نمره بین ۴۰ تا ۰ برای هر سطح شیوه های فرزندپروری به دست می آید. به عبارت دیگر هر والد در این پرسشنامه دارای سه نمره ی مجزا می باشد. در پژوهشی که توسط Esfandiari انجام شد پایایی آزمون بر روی نمونه ای از مادران جمعیت مورد مطالعه به شیوه باز آزمایی و با فاصله زمانی یک هفته به ترتیب برای شیوه سهل گیرانه ۰/۶۹، شیوه مستبدانه ۰/۷۷ و شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش شد. هم چنین روایی محتوایی آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روان شناسی و روان پزشکی مورد تایید قرار گرفت (۲۵).

پرسشنامه افکار اضطرابی: پرسشنامه ی افکار اضطرابی Wales، یک ابزار چند بعدی در مورد نگرانی است. این پرسشنامه آمادگی برای نگرانی اجتماعی، نگرانی بهداشت و فرانگرانی را مورد سنجش قرار می دهد. پرسشنامه ی افکار اضطرابی ۲۲ آیتم دارد که به هر سوال با یک مقیاس چهار درجه ای «تقریباً هرگز»، «گاهی اوقات»، «اغلب اوقات» و «تقریباً همیشه» پاسخ داده می شود. Wales ضرایب آلفای کرونباخ نگرانی اجتماعی را ۰/۸۴، نگرانی بهداشتی ۰/۸۱ و فرا نگرانی را ۰/۷۵ گزارش کرده است. ضریب پایایی باز آزمایی بعد از یک ماه برای خرده مقیاس های نگرانی اجتماعی، نگرانی بهداشتی و فرانگرانی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۴، ۰/۷۷ می باشد. ضریب همبستگی نگرانی اجتماعی ($r=0.63$)، نگرانی بهداشتی ($r=0.36$) و فرانگرانی ($r=0.68$) با مقیاس اضطراب صفت Spielberger معنی دار گزارش شده است ($p<0.01$) (۲۶). نسخه فارسی این آزمون توسط فتی، موتابی و ضیائی در یک نمونه ۷۰۳ نفری از دانشجویان بررسی شد. پایایی درونی زیر مقیاس های فرم فارسی برای سه زیر مقیاس نگرانی اجتماعی، نگرانی نسبت به سلامتی و فرانگرانی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۳ و

۰/۷۷ و پایایی آزمون- بازآزمون برابر آزمون برابر ۰/۷۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۰ بوده است (۲۷).

پرسشنامه وسواس فکری و عملی: پرسشنامه وسواس فکری و عملی Maudsley توسط Hajson و Rakman به منظور پژوهش در مورد نوع و حیطه مشکلات وسواس تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است Hajson و Rakman در پژوهشی با چهار بیمار نشان دادند که نمره کل این پرسشنامه نسبت به تغییرات درمانی حساس است. در کل ثابت شده است که پرسشنامه ی وسواسی Maudsley ابزار مناسبی برای درمانگران و پژوهشگران در رابطه با پیامد درمانی است. همچنین این پرسشنامه وسیله خوبی برای بررسی سبب شناسی سیر و پیش آگهی انواع مختلف شکایت های وسواسی می باشد. ضریب پایایی با روش باز آزمایی ۰/۸۹ بوده است (۲۶).

تجزیه تحلیل داده های به دست آمده به کمک نرم افزار SPSS-16 انجام شده است.

نتایج

به منظور بررسی اهداف تحقیق از ضریب همبستگی و رگرسیون همزمان استفاده شد که نتایج در جداول ۱ تا ۳ ارائه شده است.

ضرایب همبستگی سبک شیوه فرزندپروری والدین با علایم وسواس فکری و عملی و افکار اضطرابی حاکی از وجود روابط معنادار علایم وسواس فکری و عملی و افکار اضطرابی با سه سبک شیوه فرزندپروری است. نتایج نشان می دهد که ارتباط شیوه فرزندپروری مقتدرانه با علایم وسواس فکری و عملی ($r=-0.79$) و افکار اضطرابی ($r=-0.74$) به صورت منفی و با ۹۹ درصد اطمینان ($p<0.01$) معنی دار است و ارتباط شیوه فرزندپروری مستبدانه با علایم وسواس فکری و عملی ($r=0.60$) و افکار اضطرابی ($r=0.52$) به صورت مثبت و با ۹۹ درصد اطمینان ($p<0.01$) معنی دار است و ارتباط شیوه فرزندپروری سهل گیرانه با علایم وسواس فکری و عملی ($r=0.55$) و افکار اضطرابی ($r=0.47$) به صورت مثبت و با ۹۹ درصد اطمینان ($p<0.01$) معنی دار است (جدول ۱).

جدول ۱: ضرایب همبستگی افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری - عملی با شیوه های فرزند پروری والدین

متغیرها	فرزند پروری مقتدرانه	فرزند پروری سهل گیرانه	فرزند پروری مستبدانه
افکار اضطرابی	** -۰/۷۴۱	**۰/۴۷۲	**۰/۵۲۳
وسواس فکری عملی	** -۰/۷۹۲	**۰/۵۵۶	**۰/۶۰۱

** سطوح معنی داری در سطح $P < ۰/۰۱$

بر اساس خلاصه نتایج تحلیل واریانس، به طور کلی شیوه های فرزند پروری والدین، توان پیش بینی مناسب در سطح ($p < ۰/۰۱$) برای سطوح وسواس فکری و عملی دارد. شیوه های فرزند پروری در مجموع ($۰/۶۴$) درصد وسواس فکری و عملی را تبیین می کند. ضریب بتای سبک والدینی مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه به ترتیب ($-۰/۶۹۶$)، ($۰/۱۴۸$)، ($-۰/۰۳۹$) است. از بین شیوه های فرزند پروری، تنها شیوه فرزند پروری مقتدرانه با ۹۹ درصد اطمینان از توان پیش بینی بالا و معنی داری برخوردار است (جدول ۲).

بر اساس خلاصه نتایج تحلیل واریانس، به طور کلی شیوه های فرزند پروری والدین، توان پیش بینی مناسب در سطح ($p < ۰/۰۱$) سطوح افکار اضطرابی را دارد. شیوه های فرزند پروری در مجموع ($۰/۵۵۴$) درصد افکار اضطرابی را تبیین می کند. ضریب بتای تاثیر شیوه فرزند پروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه به ترتیب ($-۰/۶۹۹$)، ($۰/۱۷۰$)، ($-۰/۱۱۱$) است. از بین شیوه های فرزند پروری به ترتیب، تنها سبک والدینی مقتدرانه با ۹۹ درصد اطمینان از توان پیش بینی بالا برخوردار است (جدول ۳).

جدول ۲: تحلیل رگرسیون همزمان علایم وسواس فکری - عملی بر حسب شیوه های فرزند پروری والدین

مدل	(B)	خطای انحراف معیار (SE)	بتا (β)	(T)	سطح معنی داری (P)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل یافته
فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۶۱۵	۰/۰۵۳	-۰/۶۹۶	-۱۱/۶۴۴	۰/۰۰۰	۰/۶۴۰	۰/۶۳۴
فرزند پروری مستبدانه	۰/۱۵۲	۰/۰۹۱	۰/۱۴۸	۱/۶۷۴	۰/۰۹۶		
فرزند پروری سهل گیرانه	-۰/۰۲۸	۰/۰۷۷	-۰/۰۳۹	-۰/۳۶۴	۰/۷۱۶		

جدول ۳: تحلیل رگرسیون همزمان علایم افکار اضطرابی بر حسب شیوه های فرزند پروری والدین

مدل	(B)	خطای انحراف معیار (SE)	بتا (β)	(T)	سطح معنی داری (P)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل یافته
فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۹۲۰	۰/۰۸۸	-۰/۶۹۹	-۱۰/۴۸۷	۰/۰۰۰	۰/۵۵۴	۰/۵۴۶
فرزند پروری مستبدانه	۰/۲۰۹	۰/۱۵۱	۰/۱۷۰	۱/۳۸۴	۰/۱۶۸		
فرزند پروری سهل گیرانه	-۰/۱۲۰	۰/۱۲۸	-۰/۱۱۱	-۰/۹۳۷	۰/۳۵۰		

بحث و نتیجه گیری

عملی نوجوانان در جمعیت عادی انجام گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر این است که شیوه های فرزند پروری والدین با

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین شیوه های فرزند پروری والدین و افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و

افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی نوجوانان مرتبط است. نوع شیوه های فرزندپروری والدین انواع پیامدهای مثبت و منفی برای نوجوانان به بار می آورد که در سلامت روانی نوجوانان موثر است. از جمله پیامدهای منفی شیوه های ناکارآمد فرزندپروری والدین، میزان بروز افکار اضطرابی بیشتر و سطح علایم وسواس فکری و عملی بالا است. پژوهش حاضر نشان می دهد که از بین سه نوع شیوه فرزندپروری والدین، والدینی که دارای شیوه فرزندپروری مقتدرانه هستند نوجوانان شان از پایین ترین مقدار افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی برخوردارند، والدینی که در ارتباط با نوجوانان از شیوه های فرزندپروری سهل گیرانه و مستبدانه استفاده می کردند نوجوانان این والدین از سطح بالای افکار اضطرابی و بروز علایم وسواس فکری و عملی برخوردارند. زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. اکثر مشکلات فکری اضطرابی کودکان منعکس کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به ویژه والدین می باشد. به عبارت دیگر وجود مشکلات اضطرابی کودک با روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر و روش های تربیتی نادرست والدین ارتباط دارد. تحقیقات پیشین نشان داده اند که پیامدهای شیوه های فرزندپروری والدین در طیف های گسترده است. در تعداد کمی از تحقیقات به بررسی ارتباط میان شیوه های فرزندپروری والدین با علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی پرداخته اند. نتایج تحقیقات اولیه ای که در مورد ارتباط میان شیوه های فرزندپروری والدین با علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی انجام شده است، به صورت ناهمبستگی است. در این زمینه همسو با نتایج پژوهش حاضر Frost و همکاران، Steketee و همکاران در پژوهشی یافتند که والدینی که دارای خصوصیتی مانند داشتن حمایت بیش از حد، توقعات زیاد، باریک بینی و حساسیت زیاد هستند دارای فرزندانی هستند که سطح بالای علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی دارند (۱۸، ۱۹). Ehiobuche در پژوهشی یافت که والدین افراد دارای وسواسی- اجباری در مقایسه با والدین گروه نرمال، فقدان عواطف و گرمی و کنترل رفتاری زیاد داشتند که

نتایج پژوهش حاضر را تایید می کند (۲۰). Alonso و همکاران نیز گرمی و عطوفت پایین را در والدین افراد مبتلا وسواسی- اجباری گزارش کردند که نتایج پژوهش حاضر را تایید می کند (۲۱). نتایج مطالعه Gandomani و همکاران نیز نشان داد که میزان افسردگی و اضطراب پایین در ارتباط با داشتن والدین مقتدر است (۲۲). Golfazani و همکاران همسو با نتایج پژوهش حاضر در مطالعه ای یافتند که مادران کودکان عادی در مقایسه با والدین کودکان دارای افسردگی، اضطراب، وسواس- اجباری، سبک والدینی مقتدرانه داشتند (۲۳). تحقیقات انجام گرفته توسط Levey در سال ۱۹۴۳ (نقل از ۲۸) نیز نشان داده که بکارگیری هر دو شیوه فرزندپروری مسلط و سهل گیر توسط مادران منجر به بروز رفتارهای پرخطرانه، گرایش های ضد اجتماعی و همچنین اضطراب و افسردگی می شود. نتایج پژوهش Hossein-Pour نیز همسو با نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین اضطراب دانش آموزانی که مادران سخت گیر دارند با دانش آموزانی که مادرانی قاطع و اطمینان بخش دارند تفاوت معناداری وجود دارد و بین استرس دانش آموزانی که مادرانی سهل گیر دارند با دانش آموزانی که مادرانی قاطع و اطمینان بخش دارند تفاوت معنی داری وجود دارد (۲۹). در تضاد با نتایج تحقیق حاضر، Bigham (۳۰) در پژوهشی با عنوان بررسی همه گیرشناسی اختلال وسواس جبری در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر کاشان و ارتباط آن با شیوه های فرزندپروری به این نتیجه دست یافت که بین ابتلا به اختلال وسواس جبری و شیوه های فرزندپروری اقتدار منطقی، آزادگذاری و استبدادی از نظر آماری ارتباط معنی داری وجود ندارد. در پژوهش Rahmati، تفاوت میزان وسواسی اجباری دختران در سه شیوه فرزندپروری از لحاظ آماری معنی دار بود (۳۱). Freud با دیدگاه نظری خود (۱۹۷۰) تاثیر شیوه های فرزندپروری و ارتباط آن با اختلال روانی را در مقاله ای اولیه خود مطرح نمود، Freud سبک یا منش وسواسی- جبری را به آموزش سخت گیرانه ای آداب توال، در دوره مقعدی نسبت داد و این سبک شخصیتی را منش مقعدی نام نهاد (۳۰). در تبیین اینکه فرزندپروری مقتدرانه بیشتر با افکار اضطرابی و علایم

وسواسی جبری پایین در ارتباط است می‌توان به ویژگی‌های شیوه فرزندپروری مقتدرانه اشاره کرد، فرزند پروری مقتدرانه با تقاضاها و پاسخ‌دهی مناسب والدین مشخص می‌گردد، والدین مقتدر مقررات برای فرزندشان وضع می‌کنند و برای اجرای آنها پافشاری می‌نمایند فرزندشان را تشویق می‌کنند که مستقل باشند (۱۱، ۳۲، ۳۳). والدین مقتدر فرزندان خود را هدایت و کنترل می‌کنند، با استدلال منظور خود را روشن و صریح بیان کرده و فرزندان را در دستیابی به اهدافی که خود برای آنها تعیین کرده‌اند کمک و هدایت می‌کنند و نسبت به موفقیت‌های فرزندانشان واکنش مثبت نشان می‌دهند (۱۱). در مطالعه‌ای که با هدف ارزیابی چارچوب نظری تئوری بامریند، توسط Limbourne و همکاران (۱۹۹۱) صورت گرفت، مشخص شد نوجوانانی که والدین خود را به عنوان اقتدار منطقی طبقه‌بندی کرده بودند، بالاترین نمره را در مقیاس کفایت اجتماعی و کمترین نمره را در مقیاس اختلال روان‌شناختی و رفتاری کسب کردند (نقل از ۲۵). بر این اساس شیوه‌هایی که والدین در تربیت فرزندانشان خود به کار می‌گیرند، نقش اساسی در تامین سلامت روانی فرزندانشان دارد. در سایه ارتباط سالم است که می‌توان نیازهای فرزندانشان را شناخت و نسبت به تامین و ارضای

آنها همت گماشت. همان‌گونه که اشاره شد، هر یک از این شیوه‌ها اثراتی بر سلامت کودکان دارند که در این میان شیوه‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه اثرات مخرب و منفی دارند، آن چه اهمیت دارد این است که طبق تحقیقات انجام گرفته، بهترین شیوه فرزندپروری، شیوه مقتدرانه است که والدین در عین گرم و صمیمی بودن با فرزند خود، کنترل کننده و مقتدر هستند. این شیوه به فکر و سلامت فرزندانشان کمک می‌کند و همچنین تاثیر کمی بر آزادی‌های فردی کودکان دارد. این شیوه باعث می‌شود که کودکان با کفایت، واقع‌گرا، دارای اعتماد به نفس، فعال، خود نظم بخش باشند. در کل براساس تحقیقات گذشته و نتایج مطالعه‌ای حاضر می‌توان مطرح کرد که شیوه فرزندپروری مقتدرانه در ارتباط با افکار اضطربی و علایم وسواس فکری و عملی پایین و شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه در ارتباط با افکار اضطربی و علایم وسواس فکری و عملی سطح بالا است.

سپاسگزاری

از همکاری مسئولین محترم دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی و اداره آموزش و پرورش مرند و دانش‌آموزانی که در این مطالعه شرکت نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

References:

- 1- McKay D, Abramowitz JS, Calamari JE, Kyrios M, Radomsky A, Sookman D, et al. *A critical evaluation of obsessive-compulsive disorder subtypes: symptoms versus mechanisms*. Clin Psychol Rev 2004; 24(3): 283-313.
- 2- Angst J, Gamma A, Endrass J, Goodwin R, Ajdacic V, Eich D, et al. *Obsessive-compulsive severity spectrum in the community: prevalence, comorbidity, and course*. Eur Arch Psychiatry Clin Neurosci 2004; 254(3): 156-64.
- 3- Kessler RC, Berglund P, Demler O, Jin R, Merikangas KR, Walters EE. *Lifetime prevalence and age-of-onset distributions of DSM-IV disorders in the National Comorbidity Survey Replication*. Arch Gen Psychiatry 2005; 62(6): 593-602.
- 4- van Grootheest DS, Cath DC, Beekman AT, Boomsma DI. *Twin studies on obsessive compulsive disorder: a review*. Twin Res Hum Genet 2005; 8(5): 450-58.

- 5- van Grootheest DS, Cath DC, Beekman AT, Boomsma DI. *Genetic and environmental influences on obsessive-compulsive symptoms in adults: a population-based twin-family study*. Psychol Med 2007; 37: 1635-44.
- 6- van Grootheest DS, Bartels M, van Beijsterveldt CE, Cath DC, Beekman AT, Hudziak JJ, et al. *Genetic and environmental contributions to self-report obsessive-compulsive symptoms in Dutch adolescents at ages 12, 14, and 16*. J Am Acad Child Adolesc Psychiatry 2008; 47(10): 1182-8.
- 7- Rapee RM. *Potential role of childrearing practices in the development of anxiety and depression*. Clin Psychol Rev 1997; 17(1): 47-67 .
- 8- Baumrind D. *Current patterns of parental authority*. Develop Psychol 1971; 4(1, pt 2): 1-103.
- 9- Ballash N, Leyfer O, Buckley AF, Woodruff-Borden J. *Parental control in the etiology of anxiety*. Clinical Child and Family Psychology Review 2006; 9: 113-33.
- 10- Barber BK, Stolz HE, Olsen JA. *Parental support, psychological control, and behavioral control: assessing relevance across time, culture, and method*. Monogr Soc Res Child Dev 2005; 70(4): 1-137.
- 11- Baumrind D. *The influence of parenting style on adolescent competence and substance use*. J Early Adolescence 1991; 11(1): 56-95.
- 12- Furnham A, Cheng H. *Perceived parental behaviour, self-esteem and happiness*. Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol 2000; 35(10): 463-70.
- 13- Klein HA, O'Bryant K, Hopkins HR. *Recalled parental authority style and self-perception in college men and women*. J Genetic Psychol 1996; 157(1): 5-17.
- 14- Wolfradt U, Hempel S, Miles JNV. *Perceived parenting styles, depersonalisation, anxiety and coping behavior in adolescents*. Personality Individual Differenc 2003; 34(3): 521-32.
- 15- Dornsbusch SM, Ritter PL, Leiderman PH, Roberts DF, Fraleigh MJ. *The relation of parenting style to adolescent school performance*. Child Dev 1987; 58(5): 1244-57.
- 16- Boyes MC, Allen SG. *Styles of parent - child interaction and moral reasoning in adolescence*. Merrill-Palmer Quarterly 1993; 39(4): 551-70.
- 17- Steinberg L, Elmen JD, Mounts NS. *Authoritative parenting, psychosocial maturity, and academic success among adolescents*. Child Dev 1989; 60(6): 1424-36.
- 18- Frost RO, Steketee G, Cohn L, Griess K. *Personality traits in subclinical and non-obsessivecompulsive volunteers and their parents*. Behav Res Therap 1994; 32(1): 47-56.
- 19- Steketee GS, Grayson JB, Foa EB. *Obsessive-compulsive disorder: differences between washers and checkers*. Behav Res Therap 1985; 23(2): 197-201.
- 20- Ehiobuche I. *Obsessive – compulsive neurosis in relation to parental child -rearing patterns amongst the Greek, Italian, and Anglo-Australian subjects*. Acta Psychiatr Scandinavia Suppl 1988; 344: 115-20.

- 21- Alonso P, Menchon JM, Mataix-Cols D, Pifarre J, Urretavizcaya M, Crespo JM, et al. *Perceived parental rearing style in obsessive-compulsive disorder: relation to symptom dimensions*. Psychiatry Res 2004; 127(3): 267-78.
- 22- Saifi Gandomani MY, Kalantari-Meibodi S, Fatah, N. *Typology of family parenting style(combination of maternal and paternal parenting styles) and its effects on male adolescent's anxiety and depression boys: a new approach to parenting*. J Fundament Mental Health 2009; 11(3): 185-94.
- 23-Farzi Golfazani M, Mohammad Esmaeil E, Raufian Moghaddam F, Asgari Moghadam H. *Rearing styles of mothers of depressed, anxious obsessive- Compulsive and normal children: a comparative stud*. Res Exception Child 2003; 9(3-4): 265-88.
- 24- Kenny ME, Donaldson GA. *Contributions of parental attachment and family stracture to the social and psychological functioning of first-year college student*. J Counseling Psychol 1991; 38(4): 470-86.
- 25-Esfandiari G. *Parenting style compared two groups of mothers of children with behavior disorders and the impact of parental education in reducing disorder*. MA [Thesis] Medical Psychology Research Institute, Tehran University; 1994. [Persian]
- 26- Abolghasemi A, Narimani M. *Psychological tests*. Rizwan Garden publication; 2006. [Persian]
- 27- Asadollahpour A, Fata L, Gharraee B. *Metacognitive anxiety and immediate and delayed judgment of learning:discovering the underlying mechanisms of anxiety in wells' theory*. Iranian J Psychiatry Clini Psychol 2011; 16(4): 412-19. [Persian]
- 28- Shamlu S. *Psychopathology*. 4 ed th. Tehran: Roshd; 1992. [Persian]
- 29- Hossein-Pour K. *Effect of maternal parenting style on the incidence of symptoms of anxiety. stress and depression, their children*. MA[Thesis]. Ferdowsi University; 2000. [Persian]
- 30- Bighm H. *The relationship between obsessive-compulsive disorder and authority of reasonable parenting, authoritarian and free investment*. MA[Thesis] Medical Psychology Research Institute of Tehran University 1998. [Persian]
- 31- Rahmati A, Etemadi A, Mehrabi S. *Compare rates of adolescent girls with mental disorders according to parental parenting style in Jiroft city high schools*. J Psychological Studies 2007;3(4): 9-24.
- 32- Lin CYC, Fu VR. *A comparison of child rearing practices among Chinese. immigrant Chinese, and Caucasian-American parents*. Child Dev 1990; 61(2): 429-33.
- 33-Nihira K, Mink IT, Meyers CE. *Home environment and development of slow-learning adolescents: Reciprocal relations*. Dev Psycholy 1985; 21(5): 784-94.

The Role of Parenting Styles in Predicting Anxiety Thoughts and Obsessive Compulsive Symptoms in Adolescents

*Khanjani Z(PhD)^{*1}, Esmaeili Anamag B(MA)², Gholamzadeh M(MA)³*

¹*Department of Psychology, University of Tabriz, Iran*

^{2,3}*Child and Adolescent Clinical Psychology Department, University of Tabriz, Iran*

Received: 17 Jan 2011

Accepted: 20 Oct 2011

Abstract

Introduction: Parents interaction styles with children or teens have an important impact on shaping their character and mental health and the incidence of some psychiatric symptoms. The aim of this study was to predict anxiety thought and obsessive - compulsive symptoms of the adolescents based on parents' parenting styles.

Methods: This was a descriptive study. 180 male students in Marand were selected by cluster random sampling. We used Baumrind parents parenting style questionnaire, Wales anxiety thoughts questionnaire and Maudsley obsessive- compulsive questionnaire. Data was analyzed by Pearson's correlation test and multiple regression analysis.

Results: Data analysis showed that obsessive- compulsive symptoms and anxiety ideas were positively related to the authoritarian and permissive parenting styles and negatively related to authoritative parenting style. Parenting style is able to predict the level of obsessive - compulsive symptoms and adolescent anxiety ideas.

Conclusion: The results showed that parents' parenting style is one of the influencing factors on adolescent health. Parents with authoritative parenting style, have the children with lower obsessive - compulsive symptoms and anxious thoughts.

Keywords: Obsessive - Compulsive Symptoms, Anxious Thoughts, Parenting Style

This paper should be cited as:

Khanjani Z, Esmaeili anamag B, Gholamzadeh M. *The role of parenting styles in predicting anxiety thoughts and obsessive compulsive symptoms in adolescents*. J Shahid Sadoughi Univ Med Sci; 20(1): 39-48.

***Corresponding author: Tel: +98 9143016011, Email: zeynabkhanjani@yahoo.com**